



گفتگو



## سیاستمدار دوران‌دیش و عمیق بود

گفتگو با وکیل خداد عرفانی از یاران استاد شهید

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

دلو شهید مزاری با هیأتی که صادقی نیلی، محقق ورس، عبدالحق شفق، سیدهادی و تعدادی دیگر هم شامل می‌شد را برای اولین بار در پاک هتل در پیشاور ملاقات کردم و آشنایی حاصل کردم. من به همراه دکتر رسول طالب خدمت‌شان مشرف شدیم. این هیأت به رهبری شهید مزاری برای ادغام دفاتر جریان‌های سیاسی هفتگانه و تأسیس حزب وحدت در پیشاور و اسلام‌آباد آمده بودند.

در این جلسه، بحث شرکت و عدم شرکت در مهمانی که از جانب کنسولگری ایران برای این هیأت تدارک دیده شده و دعوت کرده بودند مطرح شد. ایرانی‌ها این هیأت را برای

بنیاد اندیشه: جناب وکیل ضمن عرض تسلیت به مناسبت فرارسیدن ۲۳مین سالگرد شهادت شهید مزاری، بفرمایید، که با شهید مزاری کی و چگونه آشنا شدید؟

عرفانی: بنام خدا، در ابتدا از اقدام زیبا و بجا و برنامه‌ی تحقیقی-علمی‌تان تشکر می‌کنم، که گفتنی‌های یاران شهید مزاری را برجسته کرده و به تصویر می‌کشید. اولین شناخت بنده از شهید مزاری از سال ۱۳۶۹ شروع شد. در اواخر ۱۳۶۹ مسافرتی به پیشاور برای تداوی داشتم، مسئول دفتر پیشاور در آن وقت دکتر رسول طالب بود. در اوایل ماه

مصاحبه کوتاه شهید مزاری با یک رسانه ایرانی در هتل استقلال تهران مستقر شدیم. ارتباط شهید مزاری با رهبران ایران به صورت تلفنی برقرار شد. ایرانی‌ها تأکید جدی داشتند که باید این هیأت در مجمع شیعیان اشتراک کنند. شهید مزاری در تماس‌ها می‌گفت ما مشروط بر این که شما به گروه‌ها و جریان‌های سیاسی هفتگانه شیعی فشار وارد کنید تا دفاترشان در ایران را منحل و به هم مدغم کرده در قالب حزب وحدت فعالیت کنند [شکرت می‌کنیم]، در غیر آن به مجمع شرکت نمی‌کنیم. علی‌اکبر ولایتی وزیر خارجه وقت ایران، با این هیأت و استاد مزاری مذاکره می‌کرد. در این ایام ۱۵ شعبان فرا رسیده بود، خامنه‌ای در یک ضیافت از هیأت افغانی میزبانی کرد. شهید مزاری در مورد مبارزه و مقاومت مردم افغانستان، ایده سیاسی و خواست‌های حزب وحدت یک سخنرانی خیلی عالی انجام داد و از موقف بسیار قوی صحبت کرد.

بالاخره در روز برگزاری مجمع چون ایرانی‌ها به شرطی که شهید مزاری از پاکستان وارد تهران شده بود جواب واضح ارائه نکرده بود، از اتاقش به محل مراسم رفت. حدود نیم ساعت ولایتی وزیر خارجه ایران رفت و آمد و مذاکره کرد تا این که شهید مزاری قانع شد که وارد سالن محل کنفرانس شود، تا جلسه شروع شود. هدف شهید مزاری این بود که در همین جلسه حزب وحدت به گونه رسمی اعلان موجودیت کند و از طرف ایرانی‌ها به عنوان جریان متحد و مقتدر سیاسی شناخته شود. از جمله قاری هرات مسئول حزب الله یگانه جریان خارج از مذاکرات بامیان پیوستن اش به حزب وحدت را در همین مجلس بدون قید و شرط مشخص اعلان کرد.

بنیاد اندیشه: دو ویژگی منحصر به فرد شهید مزاری در عرصه سیاسی و نظامی را اگر بگویید.

**عرفانی:** شهید مزاری در عرصه سیاست ویژگی‌های مختص و منحصر به فرد خودش را داشت، چنانچه موضعگیری‌هایش این خصیصه‌های ویژه‌اش را واضح می‌ساخت. مثلاً جهت‌گیری‌اش در تهران نتیجه عالی داشت. دور اندیش، عمیق، در موضعش مستحکم و سیاست‌مدار عمیق بود. در حل منازعات ذات‌البینی مهارت خاص داشت. یکی از ویژگی‌هایش تواضع و فروتنی و برقراری روابط به شدت دوستانه با مردمش بود. در سفری از غزنی به شمول شهید ابوذری، مرحوم استاد حکیمی، قاضی سعادت، اخلاصی و تعدادی ۲۵۰ الی ۳۰۰ نفر که به کابل آمدیم، در کمیته سیاسی که ریاست‌اش را مقصودی بر عهده داشت، از ما استقبال کرده و فردای آن روز به یمن رسیدن ما از غزنی در مسجد امام خمینی در غرب کابل، ما را در مراسم با شکوه و حضور سیل‌آسای مردم غرب کابل استقبال کرد،

صرف نان چاشت برای روز بعد دعوت کرده بود، و می‌خواست در حاشیه مهمانی این هیأت را به اشتراک در مجمع شیعیان که قرار بود در تهران برگزار شود، دعوت کند. منظور ایرانی‌ها کم‌رنگ کردن روابط هیأت با پاکستان و توجه‌شان به ایران بود.

شهید مزاری مخالف پذیرفتن دعوت ایرانی‌ها بود در حالی که کسانی مانند شهید صادقی و عبدالحق شفق به شدت به ایران گرایش داشته و تأکید داشتند که باید به این مهمانی و در نهایت دعوت ایرانی‌ها برای اشتراک در مجمع شیعیان ایران موافقه شود. اما شهید مزاری تأکید داشت که باید عواقب و جوانب این دعوت‌ها از منظر سیاسی به دقت بررسی شده بعداً در مورد پذیرش و یا عدم پذیرش بحث شود؛ چون ایشان می‌دانست که ایرانی‌ها وقتی که دعوتی را ترتیب بدهند، در پشت آن خواست سیاسی‌شان مطرح است. در جریان مباحث صادقی نیلی به شهید مزاری گفت: "من طرفدار پذیرفتن مهمانی ایرانی‌ها هستم اما چون شما رهبر و رئیس هیأت هستید، از تصمیم نهایی شما تبعیت می‌کنیم ولی به نظرم باید قبول کنیم". شهید مزاری به اکراه و تأکید اعضای هیأت بالاخره در مهمانی نان چاشت که از جانب ایرانی‌ها در "گرین هتل" تدارک دیده بودند، اشتراک کردند و ایرانی‌ها از فرصت استفاده کرده محل اقامت این هیأت را از "پاک‌هتل" به "گرین‌هتل" تغییر دادند. در محل اقامت جدید برای هر نفر یک اتاق ریزرف کرده بودند، تا بتوانند با کسانی که گرایش ایرانی داشتند آزادانه روابط برقرار کرده و صحبت کنند. چنانچه با تعدادی مذاکرات انجام دادند و رفت و آمدهای زیادی انجام شد. در مسأله اشتراک هیأت در مجمع شیعیان در ایران آقای ابراهیمی نماینده ولی فقیه سخت تأکید و تلاش می‌کرد.

در نهایت با اسرار زیاد طرفداران ایران، بر شهید مزاری و پذیرش شرط و شروط شهید مزاری از جانب نماینده ایران، شهید مزاری به اشتراک در مجمع شیعیان ایران موافقه‌اش را اعلام کرد. از جمله طرفداران اشتراک در این مجمع صادقی نیلی به شهید مزاری با تأکید می‌گفت: "در این برنامه اشتراک می‌کنیم، اما تصمیم نهایی به دست خودمان است. شما به عنوان رئیس هیأت می‌توانید آزادانه تصمیم و موقف سیاسی‌تان را اعلام کنید". شهید مزاری با اکراه اشتراک در این مجمع که در تهران برگزار می‌شد را پذیرفت و در نهایت به تهران پرواز کردیم. البته مأموریت هیأت در ابتدا این بود که دفاتر احزاب هفتگان را مدغم کرده و دفتر حزب وحدت را افتتاح کرده و بعد به ایران رفته و در آنجا نیز این پروسه را عملی کند. در این سفر خودم، حاجی عبدول محمدی، پویا و پهلوان حر و تعدادی از قوماندان‌های که من نمی‌شناختم در این سفر بودند.

ساعت دو شب به فرودگاه مهرآباد تهران رسیدیم. بعد از



حضور پررنگ مردم نشان از محبوبیت ایشان و نزدیکی اش با مردم را داشت.

در عرصه نظامی، مدیریت قوی استاد شهید منحصر به فرد بود. مدیریت جنگ‌های طاقت‌فرسای که از یک طرف با شورای نظار و مسعود دارای امکانات نظامی مقتدرش درگیر بود، از طرفی جبهه سیاف و از همه خطرناک‌تر جبهه طالبان بود که در چهارآسیاب در مواضع نظامی گلبدین حکمتیار مستقر شده بودند، درگیر جنگ بودیم. نیروهای حزب وحدت، به صورت پراکنده، بدون دانش و تعلیمات نظامی گرد هم آمده بودند، امکانات حزب وحدت اندک بود، اما مدیریت این همه بیانگر تبحر و کارایی شهید مزاری بود که می‌توانست این گونه شرایط را مدیریت کند.

”

در عرصه نظامی، مدیریت قوی استاد شهید منحصر به فرد بود. مدیریت جنگ‌های

طاقت‌فرسای که از یک طرف با شورای نظار و مسعود دارای امکانات نظامی مقتدرش درگیر بود، از طرفی جبهه سیاف و از همه خطرناک‌تر جبهه طالبان بود که در چهارآسیاب در مواضع نظامی گلبدین حکمتیار مستقر شده بودند، درگیر جنگ بودیم. نیروهای حزب وحدت، به صورت پراکنده، بدون دانش و تعلیمات نظامی گرد هم آمده بودند، امکانات حزب وحدت اندک بود، اما مدیریت این همه بیانگر تبحر و کارایی شهید مزاری بود که می‌توانست این گونه شرایط را مدیریت کند.

”

نمی‌کنیم". دوباره با طالبان صحبت کردیم و تأکید طالبان این بود که باید سلاح تحویل بدهید، تا ما در رهبری طالبان بتوانیم از شما دفاع کنیم، همزمان با این مذاکرات شورای نظار که خودش را در تنگنا احساس می‌کرد، از طریق سفارت ایران تلاش‌هایش را شروع کرد، تا با حزب وحدت مذاکره کند. البته طالبان می‌خواست که حزب وحدت برای عبور طالبان به شرق کابل و تصفیه حساب با مسعود و سیاف، مزاحمت نکنند.

شهید مزاری می‌گفت ما با شورای نظار هرگز مذاکره نخواهیم کرد، چون شورای نظار، آقای ربانی و مسعود بارها با ما وارد مذاکره شده ولی تعهد شکنی کرده و دوباره مردم ما را به خاک و خون کشیده و غرب کابل را مورد حملات موشکی و توپخانه‌ای قرار داده به خاک یکسان کرده است، پس ما صلحی با مسعود نداریم. ایرانی‌ها پافشاری کردند که این آخرین بار خواهد بود و این مذاکره بر مبنای صداقت خواهد بود. قرار شد بعد از مشوره، ساعت دو بعد از ظهر تصمیم حزب وحدت اعلان شود. اعضای شورای مرکزی حزب وحدت فیصله کرد که مقصودی و شهید ابوذری با مسعود مذاکره کنند. مسعود خودش بهانه‌ای تراشیده در مجلس مذاکره حاضر نشد و صحبت‌های هیأت حزب وحدت با جنرال عظیمی و بسم‌الله محمدی و استاد ربانی به صورت اولیه انجام شد، قرار بود که مذاکرات فردای آنروز ادامه یابد.

صحبت‌های که از طرف شهید ابوذری در این مجلس صورت گرفته بود، اندکی تند هم بود، لذا توسط این‌ها ضبط شده و از طریق مسعود به ملا فضل‌الله پاکستانی (پدر معنوی طالبان) که در چهارآسیاب بود، فرستاده شده بود. فردای آنروز بجای ادامه مذاکرات شورای نظار حملاتش به غرب کابل را از زمین و هوا شروع کردند، سه روز متوالی حملات هوایی و زمینی جریان داشت، فقط توانست دو پوسته را تصرف کند، که در شب چهارم توسط حزب وحدت پس گرفته شد. آن‌ها فیصله کرده بود، که غرب کابل را بمباردمان کرده و از زمین نیز با تمام توان حمله کنند، اگر سقوط کرد که خوب، در غیر آن دوباره مذاکره می‌کنیم. مبارزین ما اجازه سقوط غرب کابل را نداد.

بنیاد اندیشه: از شهید مزاری چه میراثی به جا مانده است، آیا از این میراث پاسداری شده است؟

عرفانی: برای شهید مزاری از مال و منال دنیا با توجه به این که تمام منابع و امکانات حزب در دسترس خودش بود، هیچ چیزی باقی نمانده است. او به این امکانات چشم ندوخت. میراث شهید مزاری مقاومت، رشادت، پایداری و احیای هویت کتمان شدگان تاریخ است. او همه چیز را برای تغییر سرنوشت مردم به مصرف رساند. به کارهای ارزشمند که می‌توانست سدی برای تجاوزات به مردمش باشد، مصرف می‌کرد.

بنیاد اندیشه: در مورد سقوط غرب کابل چه می‌دانید، لطفاً چشم‌پدیده‌های تان را بیان کنید!

عرفانی: در روزهای اخیر که تلاش‌های مزاری برای یافتن راهی جهت نجات مردم به شدت ادامه داشت، هیأتی که من و مقصودی و نستوه از جانب حزب وحدت عضو آن بودیم، به چهار آسیاب رفتیم تا با ملا بورجان نماینده مذاکره کننده طالبان صحبت کنیم. ملا بورجان خواست تحویل مقداری سلاح از حزب وحدت به طالبان را مطرح کرد. وقتی با شهید مزاری صحبت کردیم استاد بسیار جدی گفت: "ما یک مرمی را به کسی تحویل